

آخرین پاسخ ایران به آمریکا

رسوایی جدید هیئت حاکمه

کرد. البته در چارچوب آئین و مراسم وینسزوی اسلامی - مکتبی، زیرا در جوایب ایران و در موقعیت فعلی ذهنیت توده ها، حل یکبارگی قضیه نه عا مه پسند و نه خدا پسندانه خواهد بود.

"چنانکه قبلا گفتیم ((کی، کجا!)) این ساله برای ما بصورت یک مساله فزده ای است که میتواند هر موقع با هر روز، برای عید یا تولد یا هر نام و هر مساله ای که میخواهند جاسوسان ((توضیح اینکه در پاسخ رسمی ایران اسمی از جاسوس پسند نمیشود. گو اینکه این قضیه فقط برای مصرف داخلی افکار عمومی ایران و توهم زدایی توده های خلق باشد)) را از ایران ببرد." (مباحثه رجایی - کیهان ۱۶ آذر، تاکید از ماست)

مفاد آخرین پاسخ ایران به آمریکا با تاخیر شخص آیت الله خمینی و پس از ملاقات حضوری مسئولین امر با ایشان آشکار گردید. از این رو این پاسخ بعنوان نظر واقعی رهبران ایران تلقی شده و میتواند بعنوان یک سند رسمی مورد ارزیابی قرار گیرد.

در این باصلاح پاسخ نهایی، دولت ایران از آمریکا خواستار تضمین هایی شده است، تضمین هایی که بهر جهت هر چند که از نظر مقامات آمریکایی "غیر منطقی و غیر عاقلانه" باشد، اما بهر حال تضمین است و بمعنای باز پس دادن اموال ایران و استرداد دارایی های شاه سابق نیست. بعبارت دیگر دولت ایران قبول کرده است که شرط آزادی گروگانها دریافت وجوه مورد ادعای وی نیست بلکه دریافت پاره ای تضمین های مالی است. خود رجایی این امر را تصریح میکند:

"انشاء الله امیدوارم بزودی مساله های بنام گروگانها نداشته باشیم. زیرا ما دیگر گزهی که گره سیاسی باشند و محتاج به زمان باشد در اینجا نداریم و فقط تضمیناتی است که از نظر مالی خواسته ایم که باید به ایران داده شود و در این صورت آمریکا میتواند جاسوسان را ببرد." (همان مباحثه) (تاکید از ماست)

از همین نکته میتوانیم به مساله عقب نشینی رژیم حتی نسبت به شرایط چهارگانه پیشنهادی خود و شتابی که دولت ایران برای آزاد ساختن گروگانها از خود نشان میدهد پی

ر انجام پس از چند هفته تردید و تذبذب، رهبران رژیم جمهوری اسلامی پاسخ خود را به آخرین نظرات آمریکا در مورد طرح پیشنهادی آزادی گروگانهای سابق "جاسوس (مصوبه ای مجلس شورای اسلامی) اعلام داشتند. پاسخ ایران با وجودیکه با تعدیلها و عقب نشینهای بسیاری همراه بود معذک مورد قبول آمریکا قرار نگرفت. دلیل این امر بسیار روشن است. دولت آمریکا بخوبی می داند که مساله ای گروگانها که تا دیروز از لحاظ قدرت گیری جناح های دست راستی در این کشور و نیز تثبیت قدرت حزب جمهوری اسلامی در ایران مفید فایده بود، دیگر از لحاظ سیاسی مساله ای مرده ای است که فعلا روی دست رژیم ایران قرار گرفته و بنا بر این شتاب خاصی برای تسریع در حل آن را جایز نمی داند. دولت فعلی کارتر و جانشین آن آن ریگان خواهان عقب نشینی ها و امتیازات بیشتری از جانب ایران هستند. آنها نندای استفاده توأم با سازش رهبران رژیم کنونی ایران را بخوبی می شنوند و بنا بر این در منطق آنها هیچ دلیل موجهی برای رعایت دهی به پیشنهادات فعلی ایران برای آزادی گروگانها نیست.

ما در گذشته به کرات و طی مقالات متعدد به ماجرای گروگانگیری و نقش هیات حاکمه در تحقیق توده ها سخن گفته ایم. در ضمنی رهایی ۵۲ که در افشای طرح پیشنهادی مجلس ایران برای آزادی گروگانها تنظیم شده بود، اعلام کردیم که:

"سرانجام مجلس با طرح پیشنهادی خود که هیچ نکته ای غیر قابل قبولی برای آمریکا نداشت. در واقع رای به آزادی گروگانها داده و بر این واقعیت که مساله ای گروگانها از لحاظ سیاسی مرده است صحنه گذارد... مجلس شورای اسلامی و حاکمین آن بر هیچ یک از اهداف خود دست نیافتند. آنها گرچه برای فریب توده ها به تدارک نشسته، لیکن فقط شرایط افشای خود را آماده کردند. آنها بایست که هم اکنون بار گران جنازه ای سیاسی مساله ای گروگانگیری را بدوش بکشند چون از این پس مساله ای گروگانها هیچ ارزش و اعتبار سیاسی نخواهد داشت."

زوبالاخره نخست وزیر مکتبی باین امر اذعان کرد که دیگر گروگانگیری مساله ای "مرده است" که فقط باید جنازه ای سیاسی آنرا دفن

نبریم. لیکن قضیه به اینجا خاتمه نمی یابد. رژیم ایران در واقع طی به اصطلاح آخرین پاسخ و به گمان خود بسیار زیروگانه، برای آمریکا یک امتیاز بسیار اساسی که حتی نقض آشکار حرفهای گذشته خود و از جمله شرایط چهارگانه‌ی گذاشتی بود تامل شده و آن قبول ادعاهای کمیانیهای آمریکایی در واقع به رسمیت شناختن آنها است. طبق فرمولهای گذشته‌ی رژیم جمهوری اسلامی، قرار بود که یکی از شرایط دولت ایران برای آزادی گروگانها لغو کلیه‌ی دعاوی کمیانیهای آمریکایی علیه ایران که حدوداً ۳۰۰ کمپانی و موسسه‌ی آمریکا می را در بر میگرفت باشد و حال آنکه "آخرین پاسخ ایران نه تنها این مساله را اساساً طرح نمیکند بلکه بر عکس همی این دعاوی را به رسمیت شناخته و حاضر است که در صورت برحق بودن آنها، همگی آنها را بپردازد و در صورت راضی نشدن کمپانی و یا موسسه‌ی مورد بحث حتی حاضر است که به "حکمت" تن در دهد و حرف شخص ثالثی را بپذیرد. دولت ایران در ضمن یک مساله‌ی دیگر را که مربوط به گذشته‌های قبل از ماجرای گروگانگیری است در متن این آخرین پاسخ مزورانه جای میدهد و قبول می کند که بعنوان یک دولت "مسئول" و "بی وجدان" حاضر است اقساط همی بدهی های ناشی از کلیه‌ی وامها و اعتبارات گذشته را که جمعلگی آنها مربوط به دوران زمامداری "طاغوت" میشود، تماماً بپردازد. بهتر است از متن آخرین پاسخ ایران شاهد بیاوریم. این متن در واقع شامل دو بخش میباشد. بخش اول تعهدات و اقدامات آمریکا و بخش دوم مربوط به تعهدات و اقدامات ایران است. در قسمت اول - اقدامات دولت آمریکا "میخوانیم:

"الف - باز پس دادن مبلغ ۹/۰۶۹ میلیون دلار از دارایی های ایران بعلوه بهره‌های متعلقه با تاریخ متداول و همچنین طلای متعلق به ایران موجود نزد فدرال رزرو بانک نیویورک و سپردن به بانک ملی الجزایر قبل از آزادی ۵۲ آمریکایی گروگان ملت ایران. این دارایی ها بمنحی آزادی ۵۲ آمریکایی، توسط دولت الجزایر پس از کسر مبالغ مندرج در بندهای الف و ب از قسمت دوم در اختیار دولت ایران قرار خواهد گرفت."

(تاکید از ماست)
و در "قسمت دوم - اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران" تعهدات ایران بشرح زیر عنوان می گردد:

"همزمان با انجام کلیه اقدامات فوق که توسط دولت آمریکا، دولت ایران تعهد می نماید که اقدامات زیر را بعمل آورد:

الف - با توجه به اینکه کلیه‌ی اعلامیهای تصور قرار دادهای وام و تبدیل به دین حال شدن آنها و تها ترهای انجام شده توسط

بانکهای آمریکایی لغو و ابطال خواهد شد، دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن تعهد پرداخت اقساط بدهیهای واقعی ناشی از وامها و اعتبارات متخذه در گذشته، بدینوسیله به دولت الجزایر اجازه و اختیار میدهد که از مبالغ فوق مبلغ یک میلیارد دلار بابت تضمین اقساط عقب افتاده‌ی وامهای فوق الذکر نگهداری نموده و پس از بررسی هر یک از قراردادهای ارقام توافق شده‌ی بانکهای آمریکایی پرداخت شود. پس از تأدیبه‌ی دیون مانده‌ی موجودی، به ایران باز خواهد گشت.

ب - نظر به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد پرداخت دیون واقعی خود به افراد یا موسسات آمریکایی میباشد، دولت ایران می پذیرد که دعاوی مطروحه‌ی شرکتها و شهروندان آمریکایی علیه ایران و مطالبات و دعاوی اتباع و موسسات ایران علیه اتباع و موسسات آمریکا، بی، ابتدا، از طریق توافق طرفین دعای و در صورت عدم حصول توافق، از طریق داوری مورد قبول طرفین حل و فصل گردد. دولت جمهوری اسلامی ایران برای پرداخت دیون مزبور از مبالغ فوق، تضمین نقدی اولیه‌ی معادل یک میلیارد دلار و یا هر تضمین دیگری که مورد قبول بانک مرکزی الجزایر باشد نزد دولت الجزایر خواهد سپرد. در جریان پرداخت این دیون، این تضمین بصورتی که از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار تشکیل، ترمیم خواهد کردید.

(همی تأکیدها از ماست)
عبارت ساده‌تر ایران تقاضا می کند که آمریکا تضمینی برابر ۱۰ میلیارد دلار (۹ میلیارد سپرده‌های نقدی ایران و یک میلیارد ارزش طلای ایران) که تماماً توسط دولت آمریکا صادره شده بود را به بانک ملی الجزایر ودیعه بگذارد. و متقابلاً تعهد میکند که تضمین هایی برابر یک میلیارد دلار (بابت اقساط وامها و اعتبارات گذشته) و یک میلیارد دلار (علی الحساب بابت ادعای های کمپانی ها و موسسات آمریکایی) در بانک ملی الجزایر به ودیعه بگذارد. پس از آزادی گروگانها و بعد از حل و فصل دعاوی آمریکایی ها، مبلغ دریافت شده از جانب ایران در ارتباط با دارایی های خود عبارت خواهد بود از: ۱۰ میلیارد دلار (کل دارایی های ایران) منهای (اقساط وامها و اعتبارات گذشته و مبالغ مربوط به دعاوی کمیانیهای آمریکایی). با این ترتیب و بر اساس این طرح دولت ایران حتی دارایی ها و سپرده‌های قبلی خود در آمریکا را بدست نخواهد آورد و این موضوعی است که رژیم ایران بخوبی از آن آگاه

مرکز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

و اموال شاه معدوم و بستگان نزدیک وی را ... در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.

زیرا که: "دولت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر اطلاع کامل از میزان دارایی ها و اموال نامبردگان که به یغما برده شده ندارد."

بعبارت دیگر ریش و قیچی هر دو در دست شیطان بزرگ خواهد بود. او است که تعیین کننده ی کم و کیف و میزان دارایی های شاه معدوم است و او است که این اطلاعات را به ایران میدهد تا ایران بتواند آنها را باز پس بگیرد. پس با این ترتیب این شق قضیه نیز قابل حل خواهد بود و شایسته نیست که آمریکا آنقدر از تضمین ۱۰ میلیارد دلاری شکایت کند. چون بهر حال خود آمریکا تعیین خواهد کرد که چه میزان از ۱۰ میلیارد دلار مورد بحث باید به ایران تحویل داده شود و چه میزان به خزانه داری آمریکا بازگردانده شود. در مورد آخرین مطلب - تضمین ۴ میلیارد دلاری مربوط به "سایر دارایی ها و اموال ایران" - این مطلب آنقدر گنگ و مبهم و مضحک است که نیازی به بحث و تفسیر ندارد. نه ایران میدانند چه میگویند و نه آمریکا میفهمد که ایران چه میخواهد. این مقاله را بعنوان یک معمای چند مجهولی فعلا باید کنار گذاشت تا طرفین از این "راز نهان" پنداره بردارند و به همت والای یکدیگر معما را حل کنند.



این بود واقعیت ماجرای پرو صدای "آخرین پاسخ ایران به آمریکا". در اینجا رژیم ایران، هرجایی سبک مغزی را می ماند که به هر سازش و خواری تن میدهد، به درگاه شیطان بزرگ لانه و استغاثه میکند و با وجود این، این شیطان بزرگ عصر هنوز ضایع نمیدهد و امتیازات بیشتری میخواهد و آنقدر جنجال بپا میکند تا بتواند این آخرین پیشنهادات حقیر و مثله شده ی حکومت اسلامی را در انظار جهانیان "غیر منطقی" و "غیر معقول" جلوه دهد. لیکن وقاحت را برای سردمداران جمهوری اسلامی حدی نیست. این رهبران براستی که از اسلاف خود، حداقل این نکته که بنده تشبیت نظام سرمایه مگر از عوامفریبی و تحمیق فزایی راهی نیست را بخوبی آموخته اند. آنان این طرح قضاحت آور و ریاکارانه را بنام توده ها جار می زنند و گستاخانه اعلام می کنند که این ناشی از خواست مردم ایران و همه ی توده ها است. و اگر گناهی هم مرتکب شوند باید آنرا از چشم توده ها دید چون آنها چنین خواسته اند. آقای رجایی مردمی بودن جواب را با زبان فاضیح مردم فهم اینطور توضیح میدهد:

بقیه در صفحه ۱۸

است. اگر حدود کلی دعاوی کمیابها و موسسات آمریکایی را سر ۴ تا ۶ میلیارد فرض کنیم با توجه به ارقام کلان مربوط به اقساط وامها و اعتبارات اعفاده مربوط به دوره رژیم شاه، با یک حساب ساده در خواهیم یافت، که آنچه بر اساس طرح "آخرین پاسخ ایران" نصیب دولت ایران خواهد شد حتی کمتر از نصف مجموع دارایی های ایران در آمریکا است و این مساله بخوبی روشنگر امتیازات جدی و جدیدی است که رژیم ایران به دولت "شیطان بزرگ" آگاهانه و داوطلبانه تفویض نموده است. در این ارتباط سخنان روشنگرانه ی بهزاد نسوی سخنگوی دولت مکتبی، بیست و هفت روز پیش ماهیت نصبه را برملا میسازد. وی پس از انتشار مس کامل "آخرین پاسخ ایران" و پس از توقف به بی لطفی آمریکا که حتی اس "آخرین پاسخ" را "غیر منطقی" و "غیر قابل قبول" خوانده بود، به نحو مقولانه ای ادای بوضیح میکند و اطمینان میدهد که پاسخ ایران یک طرح یک جانبه نبود، بلکه تعهدات متقابل ایران در مقابل آمریکا را نیز در بر میگردد.

آقای نسوی برای اولین بار این نکته را مانند کرد که بعنوان قسمتی از مساله ی گروگانها، ایران هم سیردهای نقدی را به بانک مرکزی الحزب بعنوان تضمین در برابر هر نوع ادعای مالی موسسات آمریکایی به ودیعه خواهد گذاشت و دعاوی مزبور سوسله ی حکمی مورد قبول طرفین حل و فصل خواهد شد و اگر حق بجانب شما آمریکائیان باشد طلب شما را خواهیم داد.

سخنگوی دولت حتی اقرار میکند که دعاوی کمیابهای آمریکایی مبلغ کمی نیست و دست کم بر ۴ میلیارد دلار بالغ میگردد و معادل یک ایران حاضر است که حق را به حق دار بدهد و کمیابهای آمریکا را از هر حیث راضی کند. نسوی افزود که در برابر ۹ میلیارد دلار سیردهای مسدود شده ی ایران در آمریکا دادخواستهایی معادل ۴ میلیارد دلار علیه ایران در دادگاهها آن کشور مطرح شده است که حتی با حکمیته ی که مورد قبول طرفین باشند یک دعوی خواهد شد.

تقل قولها از کیهان دوشنبه اول دی

نکته ی دوم دیگری که در "پاسخ ایران" قابل توجه است، پیشنهادات ایران پیرامون دارایی های شاه است. در این ارتباط ایران مجددا درخواست یک تضمین ۱۰ میلیارد دلاری از آمریکا می نماید، لیکن نکته ی جالب اینگونه، در کنار این درخواست، درخواست دیگری از آمریکا برای تضمین مقدار دارایی ها و ثروت شاه عنوان مسود و از آمریکا خواسته میشود که:

"هر چه زودتر لیست کل مبلغ دارایی ها

بردوجناح حاکم دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار

آخرین پاسخ...

"آخرین جوابی که از سوی دولت امریکا رسیده بود مورد بررسی قرار گرفت و ما هم با توجه به شرایطی که مورد قبول همه مقامات و مردم ایران باشد، جوابهایی تهیه کردیم."
(روزنامه‌ی کیهان - ۲۶ آذر - تاکیداز ماست)

البته "مردم" مورد نظر وی فاعداً باید همان طرفداران حزب یا مکتب‌یون بنام که بسیار خوب و چاق مکتب را اشاعه می‌دهند، باشند، و الا هم اکنون توده‌های بسیار وسیعی دست‌این حضرات را خوانده‌اند و از ماجرای تحمیق آمیز جریان‌ات مربوط به سفارت و گروگانها و جاسوسها و... درس بسیار آموخته‌اند.

مردم رفته رفته به ماهیت این شگردها و به ماهیت ارتجاعی رژیم حاکم، و نه فقط

یک جناح بلکه هر دو جناح آن، پی‌می‌برند و اجازه نخواهند داد که رهبران گاه با شعار "ضد امریکایی" و گاه "آزادبخواهی" آنها را فریب‌دهند. ماجرای "اشغال سفارت" که اکنون به نقطه‌ی پایان خود بسیار نزدیک شده است، باید برای بسیاری از نیروهای سیاسی چپ و یا بظاهر چپ که پایبای رژیم حاکم به توهمات توده‌ها دامن زده و نردبان ترقی حزب جمهوری اسلامی و شرکاء آن شدند، درس عبرت باشد. آنها که صادقند باید از اشتباهات گذشته بیاموزند و آنها که عوامفریبند باید افشا شده و از صفوف جنبش چپ طرد شوند. ماجرای گروگانگیری هم چنین باین واقعیت که رژیم سرمایه‌داری چه اسلامی و چه غیر اسلامی آن برای حفظ پایه‌های لِرزان حاکمیت خود به هر خدعه و نیرنگی برای تحمیق توده‌ها متوسل میشود صحنه گذارد و نشان داد که حاکمیت سیاسی سرمایه جدا از حاکمیت ایدئولوژی حاکمان سرمایه نیست.